

گلشن

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ دوشنبه ۴ آبان ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۳۲۷۹ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰۰ تومان

«۳-۲»



صنعت گلستان

چشم انتظار تسهیلات



حسین شهری - حمایت از تولید، سال‌هاست در سخنان مسئولان اقتصادی تکرار می‌شود، اما پرسش اساسی این است که سهم واحدهای صنعتی از این وعده‌ها در عمل چقدر بوده است؟ در شرایطی که افزایش هزینه مواد اولیه، دستمزد، انرژی و حمل‌ونقل، نفس بسیاری از بنگاه‌های تولیدی را به شماره انداخته، دسترسی به تسهیلات بانکی دیگر یک امتیاز یا مطالبه جانبی نیست؛ ضرورتی برای ادامه فعالیت، حفظ اشتغال و جلوگیری از توقف خطوط تولید است. با این حال، وقتی اعتبار تصویب می‌شود اما مسیر رسیدن آن به تولیدکننده همچنان با موانع و تأخیر همراه است، باید پرسید مشکل دقیقاً کجاست و چه نهادی مسئول پاسخ‌گویی است؟ صنعت گلستان برای ادامه حیات و توسعه ظرفیت‌های خود به حمایت عملی نیاز دارد، نه صرفاً جلساتی که در آن‌ها بر ضرورت تسریع در پرداخت تسهیلات و حمایت از تولید تأکید می‌شود. واحد صنعتی با مصوبه و وعده نمی‌تواند مواد اولیه بخرد، حقوق کارگران را بپردازد یا بدهی‌های خود را تسویه کند. آنچه برای تولیدکننده اهمیت دارد، منابعی است که در زمان مناسب و با شرایط قابل دسترسی در اختیارش قرار گیرد. هر روز تأخیر در تأمین مالی، در شرایط تورمی، می‌تواند هزینه فعالیت را افزایش دهد و فاصله میان توان ادامه تولید و خطر توقف فعالیت را بیشتر کند. از این رو، عملکرد نظام بانکی و دستگاه‌های مسئول در استان باید با نتیجه واقعی اقداماتشان سنجیده شود، نه با تعداد جلسات برگزارشده و وعده‌های تکرارشده. نهمین جلسه کمیته استانی تبصره ۲

قانون بودجه سال ۱۴۰۳ استان گلستان با هدف بررسی طرح‌های منتخب دستگاه‌های اجرایی، ارزیابی وضعیت جذب اعتبارات و تعیین تکلیف منابع باقی‌مانده که در آن صرفاً دشواری تأمین وثائق بانکی، به‌ویژه زمین و ساختمان، و فشار ناشی از بدهی‌های متقاضیان نیز مورد توجه قرار گرفت و پیشنهاد تشکیل کمیته‌ای تخصصی برای بررسی عملکرد بانک‌ها و شناسایی موانع پرداخت تسهیلات مطرح شده بود. گواه این است که طرح این مسائل در سطح مدیریتی نشان می‌دهد تأمین مالی تولید، صرفاً به اختصاص منابع محدود نمی‌شود؛ بلکه کیفیت اجرای سیاست‌های حمایتی و نحوه تعامل شبکه بانکی با بنگاه‌های اقتصادی نیز در اثربخشی این منابع نقش تعیین‌کننده دارد. مسئله اصلی این است که چه میزان از منابعی که برای حمایت از تولید در نظر گرفته می‌شود، در عمل به دست بنگاه‌های اقتصادی می‌رسد و چه سهمی از این منابع به دلیل موانع اجرایی و بانکی، در مسیر پرداخت باقی می‌ماند. آخرین آمارهای منتشرشده درباره برخی برنامه‌های حمایتی استان نیز ضرورت بررسی این فاصله را نشان می‌دهد. بر اساس گزارشی که در ۲۹

زیادی دارد؛ زیرا منابعی که با تأخیر در اختیار تولیدکننده قرار می‌گیرند، ممکن است دیگر برای جبران نیازهای اولیه یا اجرای برنامه تولید کافی نباشند. بنابراین، ارزیابی عملکرد سیاست‌های حمایتی باید از مرحله تصویب فراتر رود و تا زمان پرداخت تسهیلات و بررسی آثار اقتصادی آن ادامه یابد. یکی از مشکلات مطرح‌شده در نشست کمیته استانی، دشواری تأمین وثائق و محدودیت‌های ناشی از بدهی متقاضیان بود. این مسئله برای واحدهایی که از ظرفیت تولید و بازار فروش برخوردارند، اما امکان تأمین وثائق مورد انتظار بانک را ندارند، اهمیت ویژه‌ای دارد. بانک‌ها برای حفظ منابع سپرده‌گذاران و مدیریت ریسک اعتباری، ناگزیر از بررسی توان بازپرداخت متقاضیان هستند؛ اما سیاست حمایت از تولید زمانی اثربخش خواهد بود که میان الزامات اعتبارسنجی و نیاز واقعی بنگاه‌ها تعادل برقرار شود. در ارزیابی یک واحد صنعتی، علاوه بر درایی‌های قابل ارائه به‌عنوان وثیقه، بررسی جریان نقدی، وضعیت فروش، سفارش‌های تولید و توان بازپرداخت نیز می‌تواند در چارچوب ضوابط بانکی اهمیت داشته باشد. البته نمی‌توان تمام تأخیرها یا عدم پرداخت تسهیلات را صرفاً به عملکرد بانک‌ها نسبت داد؛ زیرا نقص مدارک، توجیه اقتصادی ناکافی طرح‌ها و محدودیت منابع نیز ممکن است در این فرآیند مؤثر باشند. مسئله اصلی آن است که دلایل توقف هر پرونده به‌صورت روشن مشخص شود و مسئولیت رفع مانع بر عهده نهاد مربوط قرار گیرد.

ادامه در صفحه ۸

قالیشویی

کریم آبادی

قالی‌هایتان را تمیز و درخشان
از ما تحویل بگیرید.

شماره تماس: ۰۹۳۳۵۶۰۹۵۲۷
۰۹۱۱۹۶۹۵۰۵

یادداشت اول

تاریخ بیهقی شکوه ماندگار زبان فارسی

■ فاطمه سراوانی

اول آبان، روز بزرگداشت ابوالفضل بیهقی بود و فرصتی برای ادای احترام به نویسندehای که نامش با شکوه نثر فارسی، ژرفای اندیشه و هنر کم‌نظیر روایتگری گره خورده است. نخستین بار در دوره کارشناسی و به اقتضای رشته تحصیلی‌ام با تاریخ بیهقی آشنا شدم. آن روزها، این آشنایی بیش از آنکه حاصل انتخابی برخاسته از اشتیاق باشد، بخشی از مسیر تحصیل بود؛ اما سال‌ها بعد دریافتم که میان شناختن یک اثر و هم‌نشینی با آن، فاصله‌ای است به وسعت تجربه و تأمل. کمتر کسانی را می‌دیدم که پس از آشنایی نخست، دوباره و چندباره به سراغ این کتاب بروند؛ گویی سهم بسیاری از ما از میراثی چنین گران‌قدر، به همان دیدار نخست و الزام‌های دانشگاهی محدود می‌ماند. شکوه تاریخ بیهقی تنها در ثبت وقایع و روایت احوال امیران و وزیران نیست؛ در توان شگفت نویسنده‌ای است که از دل رویدادهای روزگار خویش، حقیقتی فراتر از زمانه‌اش بیرون می‌کشد. بیهقی تاریخ را از خشکی گزارش و انباشت واقعه می‌رساند و به صحنه ظهور انسان بدل می‌کند؛ انسانی گرفتار در کنش‌های قدرت و مصلحت، بیم و امید، وفاداری و منفعت، نثر او، استوار و نجیب، از تکلف بی‌برده می‌گریزد و در عین سادگی سنجیده، چنان ژرفا و ظرافتی دارد که گاه یک جمله‌اش بیش از صفحه‌ها شرح و تفسیر در ذهن می‌ماند. در جهان او، گذشته نه سرزمینی دور و دست‌نیافتنی، که آینه‌ای برای تماشاى اکنون است. شاید راز ماندگاری این اثر در همین باشد که هر بار خواندنش، دریچه‌ای تازه می‌گشاید؛ زیرا کتاب‌های بزرگ تنها با دانش ما خوانده نمی‌شوند، با تجربه‌های زیسته، دگرگونی‌های درونی و پرسش‌هایی نیز خوانده می‌شوند که گذر زمان در جانمان نشانه‌اند. بعضی آثار را در ابتدای جوانی می‌شناسیم، اما سال‌ها بعد است که به معنای حقیقی کلمه با آن‌ها مانوس می‌شویم؛ نه به حکم ضرورت، بلکه از سر میل و دل‌بستگی. آن‌گاه کتاب از قفسه آثار کلاسیک فراتر می‌رود و به بخشی از جهان درونی ما بدل می‌شود. اول آبان، بهانه‌ای است برای بازگشت به همین ضیافت باشکوه ضیافت زبان و تاریخ، خرد و روایت، و هم‌نشینی با نویسندehای که قرن‌ها پس از روزگار خود، همچنان حرفی برای گفتن دارد. چه موهبتی است بازگشت به کتابی که در هر بازخوانی، وجهی تازه از آن و شاید از خودمان را کشف می‌کنیم. تاریخ بیهقی از آن گنجینه‌هایی است که نه در یک بار خواندن به پایان می‌رسد و نه به گذشته تعلق دارد؛ کتابی که هر بار گشودنش، فرصتی است برای تجدید دیدار با شکوه زبان فارسی و تأملی دوباره در احوال انسان.

داستان کوتاه

مثل او



فرزاد خدنگ، گرگان

برای هر کدام از ما یک درخت انتخاب کرده بود، مثلاً من انگور، مثلاً نسرين سيب يا او انجیر، اینکه می‌گویم او یعنی تمام او هم خودش را در او می‌دید، هم چیزهای بیشتری. نسرين همیشه حرف‌های خصوصی و ته دلش را به عروسکش می‌گوید، مثلاً می‌شنیدم که در گوشش می‌گفت: «اون اونه، تافته جدا بافته‌ست، ما ماییم مثل بقیه.»

هیچ‌وقت نگاه‌هایی که به او می‌کرد را فراموش نمی‌کنم یعنی نباید فراموش کنم، هیچ‌کدام از ما اجازه رفتن روی درخت انجیر را نداشتیم، اما به او که می‌رسید شاید هم چون فکر می‌کرد فرشته است یا شاید هم پرنده و پرواز بلد است، اجازه که می‌داد هیچ، خودش هم برای او انجیر می‌چید. همین تفاوت‌ها و فرق گذاشتن‌ها بود که انجیر و درختش را برای ما تبدیل کرده بود به یک شاید رویا. به ما که می‌رسید نه اجازه سوال کردن داشتیم و نه اجازه از درخت بالا رفتن.

روزها و شب‌هایمان یا حالا تابستانمان با حسرت بیشتری نسبت به بچه‌های دیگر می‌گذشت، مجبور بودیم او را تحمل کنیم یعنی او هم شده بود همراه او و باید آنها را تحمل می‌کردیم.

چرا وقتی اونو صدا می‌زنی صدات بلندتر و خواستنی‌تره؟

تو کار بزرگتر دخال نکن بچه...

چرا وقتی صدات می‌زنه صدات بلندتر و خواستنی‌تره؟

بزرگ شو مهدی، بزرگ...

تابستان هفتمی بود که از سن نسرين می‌گذشت. اما همه این توجهات از سه سال پیش شروع شده بود، درست از روزی که بعد آن نه پدر داشتیم و نه مادر. نسرين پاییز امسال باید به مدرسه برود. هم ذوق دارد هم شوق. مهم روز اول است، مطمئنم درک می‌کند که مادر نیست تا دستش را بگیرد. راستی من هم همان مدرسه تکراری سه سال پیش اما او که از همه ما بزرگ‌تر است تازه کلاس ششم را رد کرده، برای همین باید برود با بچه‌های دیگر روستای کناری. برای من که خوب است سایه او در مدرسه از بالای سرم برداشته می‌شود. اما ترس از اینکه دوباره او را مثال بزنند و بگویند او درسش را خوب می‌خوانده و تکالیفش را همیشه انجام می‌داده، از او کمک بگیر کمی مثل او باش و الی

آخرهای تحقیر آمیز، مرا در تنگنا قرار می‌دهد. تابستان روز به روز می‌گذشت و روزها از قبل کوتاه‌تر اما به گرمای خودشان اضافه می‌کردند. عادت روزهایمان شده بود، من هیچ، پر از سوال بی‌جواب. اما نسرين با عروسکش صمیمی‌تر می‌شد، حتی همین هفته پیش قول داده بود او را به مدرسه برود، توی کیفش پنهان کند و بگوید زنگ‌های تفریح اتفاق‌های مهم‌تری می‌افتد. اما او فقط به صحبت‌های نسرين می‌خندید. شخصیت عجیبی داشت شبیه کسی که درست یاد نمی‌آید، بود. موهایش از نسرين سیاه‌تر و پُرکلاغی‌تر. مادر بزرگم همیشه خودش می‌بافت، بافتن که نه یک‌جوری چندساعت نوازش و بعد چند گره که اگر روسریاش وقت بازی کمی جابه‌جا می‌شد تمام دخترهای هم‌بازیش با هم بپرسند: «کی موهاشو انقده خشگل بافته؟»

تابستان هم برای نسرين تمام می‌شد هم برای او، همه منتظر بودیم ولی من به دنبال چیزی در اواسط تابستان می‌گشتم، از همان چیز فرار می‌کردم، از همانی که باعث می‌شد، صدای پدر بزرگ در چند خانه راست و چپ خانه‌شان بیپجد و من به او بیشتر با نگاه او نگاه کنم.

اتفاق‌های زیادی می‌افتد که فکر می‌کنم او چقدر می‌تواند او باشد. من سنی ندارم اما وقتی یک حس برای سه سال ادامه پیدا کند، حتماً دلیل منطقی و وجود خارجی هم دارد و فقط از تخیلات و شاید از توهمات من نیست. گاهی اوقات این حس به دوستان و همکلاسی‌هایم هم منتقل می‌شود. یعنی آنها از من فاصله می‌گیرند. اما من به جای اینکه

– هنوز نرسیدن؟
– نه. چرا باید الان برس؟
– نمی‌دونم یه حس می‌بهم می‌گه باید الان برسن ... جرمه؟
– تو هم با این حسای بچگوننت. بزرگ شو مهدی، بزرررگ.

پدر بزرگ دیشب به مادر بزرگ می‌گفت: «همین روزاس که برسه» من بیشتر به دنبال رسیدنشان بودم تا هرکس دیگری، مثلاً خوب‌تر می‌دیدم، خوب‌تر می‌شنیدم و خوب‌تر منتظر بودم. مادر بزرگ صبح نشده می‌گفت: «آره، می‌شه حسشون کرد.»

من تمام شب‌های این اواسط تابستان را از روی سکو به درخت زل زده‌ام، منتظرم که بیاید و اولین انجیر برسد. همیشه از رفتن زیر درخت انجیر منع شده‌ام چه برسد به حالا که نزدیک رسیدنشان است و آن هم شب. کم قصه نشنیده‌ام که فالانی به‌خاطر اینکه شب زیر درخت انجیر خوابیده این‌طور آن‌طور شده، اما من با یاسر که فقط قسمتی از خودش را نداشت، صحبت می‌کردم، می‌گفت:
– بین مهدی، بین خودمون بمونه ها، من یه چیزایی می‌بینم بقیه نمی‌بینن، حتی تو.

– مثلاً چی؟

– خیلی چیزا ...

– بوو، آگه نمی‌خوای بگی چرا می‌گی از اول؟ حالا خب پس چرا بهت می‌گن دیوونه؟

– برای اینکه طاقت ندارن ببینن یکی بیشتر از خودشون بفهمه. حتی مامانم. اونم می‌گه یاسر حرف نزن، نمی‌دونم دوست نداره روم حساس بشن یا اونم طاقت نداره.



– فقط همین؟ چه حرف خنده‌داری ... هه

– خن ده دار نیس

– هستش، بعدشم یعنی اونا چیزی از تو برنداشتن؟ هرباری که به این سوال می‌رسیدم ساکت می‌شد، به گوشه‌ای نزدیک یا شاید هم دور خیره می‌شد و تا روز بعد هیچ حرفی نمی‌زد. مادرش دوست داشت با من صحبت کند. تنها بود اما خب از حرف زدن یاسر بیشتر می‌ترسید. یاسر تمام چیزی بود که داشت، یاسری که قسمتی از خودش را نداشت. بدیهی است که من همیشه عذاب وجدان می‌گرفتم اما سوالم مهم‌تر بود و در ذهنم ربط می‌دادم به اینکه چرا اجازه نداریم از انجیر بچینیم، امایی که چرا میترا با ما فرق دارد، اگر میترا دختر بزرگ است خب نسرين هم دختر کوچک است پس باید به همان اندازه او برای پدر بزرگ و مادر بزرگ او باشد و من

را هیچ در نظر بگیریم.

من از هیچ بودنم هیچ ناراحت نمی‌شوم اما باید ماجرا طوری باشد که به سوال‌هایم جواب بدهند یا نه؟ چرا میترا با اینکه دختر است می‌تواند از درخت بالا برود یا همیشه، همین سه سال اولین انجیر رسیده برای اوست.

من هم برادر او هستم، اسم مرا هم خودشان انتخاب کرده‌اند، حتی برای من هم مثل میترا درخت کاشته‌اند و یک درخت به نام زده‌اند، انگور. اما میترا چرا برای آنها فرق دارد، یک نفر باید باشد که به سوال‌های من جواب بدهد یا نه؟ از خودشان هم که نمی‌شود پرسید. میترا هم که فقط بلد است بگوید: «بزررررگ شو». باید خودم بفهمم.

«مامان این‌دفعه با این کار ندارم که نیستی یا زود رفتی، فقط چند تا سوال دارم ازت، می‌شه بیای تو خوابم بهم جواب بدی، میترا چه فرقی با ما داره؟ راز درخت انجیر چیه؟ فقط همین دو تا. خسته شدم از بس اینجا روی سکو نشستم تا ببینم اولین انجیر چجوری می‌رسه...»

– می‌گم یاسر تو راز درخت انجیر رو می‌دونی؟

– آره، چرا می‌پرسی؟!

– خب برای اینکه بدونم.

– ببین مگه نمی‌گی یه راز؟ خب برو از خودشون بپرس...

– اما اونا که بهم نمی‌گن، میترا هم که می‌گه بزرررررگ بشی می‌فهمی

– از خودشون منظورم اونااست.

– کیا؟

– شب برو زیر درخت انجیر می‌بینشون...

– منظورت اونا؟

– آره همونا. فقط یادت نره قدیمیا می‌گن اولین انجیر یازده مرداد ماه می‌رسه، یعنی فردا. اینو هم اونا از قدیمیا بهم گفتن. بین خودمون باشه، حتی پدر بزرگم که بزرگ روستاست یه‌جورایی یادش رفته. اونا با هرکی بخوان صحبت می‌کنن. مثلاً چندباری صحبتای منو به گوش بابام رسوندن. اما خب یادته که بابام صحبت نمی‌کرد. بی‌زبون بود. اونا از بابام چیزی نمی‌گن واسم ... دلم واسه صداسش تنگ شده.

– مگه نمی‌گی بابات لال بود؟ حرف نمی‌زد؟

– آره اما صورتش، لبخندش، اخمش، دستاش، اینا همشون یعنی حرف زدن. بین خودمون باشه. من اینو هم می‌دونم که اونا ازین چیزا نمی‌دونن یعنی هیچی نمی‌فهمن ... حالا پاشو برو، موفق باشی.

چند دقیقه‌ای می‌گذرد که زیر درخت انجیر نشسته‌ام، مدام به اطرافم با ترس و لرز نگاه می‌کنم، حرف‌های یاسر هم ترس داشت و هم لرز. می‌گفت: «از همه‌جا و هیچ‌جا میان».

باد حواسم را به تکان خوردن برگ‌ها جلب می‌کند، راست می‌روند، چپ برمی‌گردند. بالا می‌روند، پایین می‌آیند، می‌رقصند.

از ساعت دوازده گذشته است، چیزی شبیه باد بیشتر تکانشان می‌دهد. چپ می‌روند، راست می‌روند. از جایی بین برگ‌ها می‌آیند، اولین انجیر رسیده را به من می‌دهند و قبل اینکه سوال‌هایم را بپرسم از همان‌جا می‌روند.

– مهدی؟ مهدی؟ حالت خوبه؟ کی به تو گفت بری زیر درخت انجیر؟ ها؟ از کی این‌جایی؟

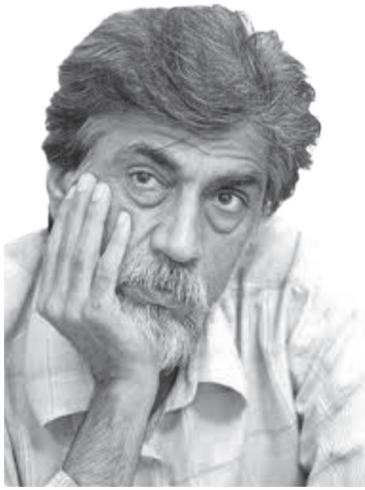
همه را می‌شناسم. به طرف میترا می‌روم، لباس آبی‌اش را به تن دارد، موهایش از همیشه خواب‌آلوده‌تر است. انجیر توی دستم را به او می‌دهم، زل می‌زند به انجیر، به من، به لب‌هایم. منتظر است چیزی بگویم. موهای روی صورتش را مرتب می‌کنم. او بیشتر از همه‌ی ما شبیه پدر و مادرم است.

– تولدت مبارک میترا

یادداشت

به بهانه ۸ آبان، در گذشت قیصر امین‌پور

نگاهی به کنایه در شعر قیصر امین‌پور



راحمه شریاری، گرگان

سوخت / گفتند: باید ساخت / گفتیم: باید سوخت، / اما نه با دنیا / که دنیا را!! / گفتیم: باید ساخت، / اما نه با دنیا / که دنیا را!! (گل‌ها همه آفتابگردانند، ص. ۱۹) «باید سوخت» و «باید ساخت» در زبان روزمره به معنای تحمل کردن و کنار آمدن با شرایط است؛ اما امین‌پور با افزودن عبارت «اما نه با دنیا، که دنیا را»، معنای آشنا را دگرگون می‌کند. این بار سخن از سوختن و ساختن با دنیا نیست، بلکه از تغییر دادن آن است. شاعر با همین جابه‌جایی معنایی، از پذیرش منفعلانه فاصله می‌گیرد و به مخاطب نگاهی تازه پیشنهاد می‌کند. در شعر دیگری آمده است:

باید دم تمامی درها را دید / باید هوای پنجره را داشت / زیرا بدون رابطه / با این هوا یک لحظه هم نمی‌شود اینجا / نفس کشید. (آینه‌های ناگهان، ص. ۶۲)

«دم کسی را دیدن» و «هوای کسی را داشتن» دو کنایه رایج‌اند که به جلب رضایت یا توجه ویژه به دیگران اشاره دارند. شاعر با کنار هم نشان دادن این دو تعبیر، به مسئله رابطه‌بازی و پارتی‌بازی در جامعه می‌پردازد و نشان می‌دهد که گاه حتی نفس کشیدن نیز به داشتن رابطه وابسته می‌شود.

امین‌پور در تصویری شاعرانه از آسمان می‌گوید:

گویمی که آسمان سر نطقی فصیح داشت / با رعد

سرفه‌های گران سینه صاف کرد (تنفس صبح، ص. ۲۸) «سینه صاف کردن» کنایه از آماده شدن برای سخن گفتن است. شاعر با جان‌بخشی به آسمان، رعد را به سرفه‌های سنگین سخنرانی تشبیه می‌کند که پیش از آغاز سخن، گلولی خود را صاف می‌کند. در این تصویر، کنایه از معنای معمول خود فراتر می‌رود و در خدمت خیال‌پردازی قرار می‌گیرد.

در شعر زیر نیز شاعر با ظرافتی خاص از کنایه بهره می‌گیرد: فرزندم / رویای روشنت را / دیگر برای هیچ کسی بازگو مکن / حتی برادرانت / می‌ترسم / شاید دوباره دست بیندازند / خواب‌تورادر چاه (دستور زبان عشق، ص. ۱۲) «دست انداختن» به معنای مسخره کردن و تحقیر است؛ اما شاعر با پیوند دادن جزء «انداختن» در این کنایه با عبارت «خواب‌تو را در چاه»، داستان یوسف و برادرانش را به ذهن می‌آورد. به این ترتیب، تعبیر هم معنای کنایی خود را حفظ می‌کند و هم به داستانی آشنا اشاره دارد.

در شعر «انکار» می‌خوانیم:

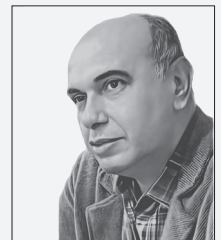
از تمام رمز و رازهای عشق / جز همین سه حرف ساده‌ی میان‌تهی / چیز دیگری سرم نمی‌شود / ولی... / راستی / دلم که می‌شود (گل‌ها همه آفتابگردانند، ص. ۹) «سرم نمی‌شود» کنایه از نفهمیدن است. شاعر با

کنایه از شگردهای بیانی زبان فارسی است که در آن، گوینده معنایی را نه به‌صورت مستقیم، بلکه از راه عبارتی با معنای ظاهری قابل فهم بیان می‌کند. مخاطب از معنای نزدیک و ظاهری عبارت عبور می‌کند تا به مقصود اصلی برسد. برخی کنایه‌ها در زبان روزمره رواج یافته‌اند، اما شاعر با ایجاد پیوندهای تازه میان واژه‌ها و معناها، می‌تواند تعبیری بیافریند که از کاربرد معمول زبان فراتر برود. شعر قیصر امین‌پور نمونه‌ای درخشان از این توانایی است. او با بهره‌گیری از کنایه‌های رایج و گاه با تغییر اندکی در ساختار آن‌ها، معنایی تازه و تأمل‌برانگیز خلق می‌کند.

در شعر «پند پیشینیان» می‌خوانیم:

پیشینیان با ما / در کار این دنیا چه گفتند؟ / گفتند: باید

شعر گلستان

دو شعر
علی مؤمنی، گرگان

«۱»

نه آن کفنی را سفید
بر تو می‌بافند
نه بذر مزرعه‌ای را
که محصول رخت سیاه
سفینه بر اسم می‌نشانم
و نام خانوادگی‌اش
بر گور...

و بادبادکی که از فشار تنهایی
صدای ترکیدنش
تکه‌های بزرگ‌تر را
دورتر می‌برد
به جابجایی اندوهناک مسافرانی
که تا قطب شب سفر کردند
مسافران به اینجا نیامده
نبودن چیزهایی
که از خودم شروع می‌شد
کنار همدیگری غمگین

کنار همدیگری غمگین
دعا کن مرا دعا
و التماس دعای مرا بپذیر
به ساعتی که از پیاده‌روی اسب‌ها
سُم به سنگ می‌کوبد
بکوب
بکوب و خروس قطبی را
صدای پایان این شب قطبی کن
برای ممکن ترین ترانه‌و
آوازهای دورترین مسافری
که تکه تکه های مرا
دوباره از انفجار خود دورتر می برد
در افروختن مشعلی
که شعله های خروس

به ذوب قندیل آوازه‌ایش از مسافران
آتش و نمذ می خواست
مجاور ابرهایی
که منقار را
پوزه‌ی بادنما کرده است
بکوب
به شیشه و ماغی
که اصطبل‌ها تا قطب
برای مهاجران
برف از سینه می دوشند
برای مکافات بی‌جنایتی
که مسیر شکنجه ی مقصد و
آرایه از مرگ
مراعات بی نظیر می‌گیرد
بگیر
به جان شیر
به جان این خورشید
دوباره به خانه
دوباره به این منزلی که باز نام مرا
همیشه مادرم صدا می‌زد
سفینه بر اسم می‌نشانم
و نام خانوادگی‌ام
یکی یکی دوباره‌ای
که باز اسم‌های ما را
صدا می‌زد

خورشید رفت، تیغ دو لب، بسته‌کام شد
یاسش میان شعله و حیدر، سپر شده
آنکس که «در» به پهلوی او زد، بدون شک
در پیشگاه عدل خدا، دربه‌در شده
از داغ یاس، باغ جهان زرد و مضطر است
هر برگ گل ز شبنم خود، چشم‌تر شده
مریم اگر چه مادر عیسی است در جهان
او مادر ستاره و چندین قمر شده
ام‌الائمه است به تسبیح او قسم
هر دانه‌ش پناه کرات از خطر شده
از عرش تا زمین همه جا نور فاطمه است
هر ذره با تجلی او معتبر شده
منزلگه ملائکه در سایه‌سار اوست
چادر سیاه او، شب قدر بشر شده

دانی چرا که کوثر حق پر گهر شده؟
دریا درون کاسه‌ی زر مختصر شده؟
هر واژه پیش منزلتش سر به زیر شد
چون در عفاف او، صفتش مستتر شده
آنجا که سنگ جهل بر آئینه می‌زدند
تسکین مادرانه‌ی زخم پدر شده
در جبهه‌ی مباحله، در روز امتحان
پیروز، پنج نور، بر آن قوم شر شده
گل‌های سرخ و سبز دمیذ از بهار او
هر یک بشارتی به بهار دگر شده
خشکیده شد به زهر خزان سرو سبز او
آلاله،خونفشان، ز لب نیشتر شده
تا وعده‌ی وصال شنید از لبان دوست
لبخند، در میان غمش جلوه‌گر شده

کوثر حق



عبد‌العلی دمانودی، گرگان



آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای

[illegible]

سید عیسی میر کاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مہناز جہانفر - شناسہ آگہی
۲۲۸۱۴۳۰

فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

پرونده: ۱۳۰۸/۴۵۱۶۹۱۲۰۰/۱۴۰۵ در ششادگان عرصه و اعیان یک قطعه زمین برزری به مساحت ۷۵۰ مترمربع از پلاک شماره ۲۱-۱ واقع در شرابخانه‌ها بخش ۱ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرانگ طبق رای صادره حکایت از تصرفات منافی ادراغ دارد لذا به منظور اعلام عموم مرابوب در نویت بهاصله بازده روز آگاهی میثود این رو اخباری که نسبت به رای صادر فوق اکثر اعتراض داشته باشند متینند تا تاریخ انتشار اول آگاهی بیدمت بعد امر اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده در این اداره تسلیم و پس از گذر رسیدت مراتب یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع نبئی دادخواست خود را به مرجع فیصلح قضائی تقدیرم و گواهی تقدیری دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۱۴

سید عیسی میر کاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مہناز جہانفر - شناسہ آگہی
۲۲۸۵۷۸

فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۴
سیدعباس میر کاظمی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر شناسنامه آگهی ۲۸/۶۶۳

فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۷.۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۸.۰۴
سیدعباس میرکاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر - شناسه آگهی
۲۲۸۹۱۱۹

فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

در ششادگان عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۱۶۸۰ مترمربع و معوضه راجعی متقاضی کلایه پورنده ۰۰۰۰۱۷۲ تا ۱۴۰۱/۱۲/۱۵ در ششادگان عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۳۵ مترمربع در ۱۴۰۱/۱۲/۱۵ شماره ۰۰۰۰۱۷۲-اصی و در اراضی مریم آباد بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ در ششادگان و رای صادره حکایت از تاریخ تقاضای دادا را به منظور اطلاع عموم مراتب، دو نویت به فاصله یک روز از آنکه میشود این ویراخصانی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آنکه بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پورنده به این اداره تسلیم و پس از آنخذ رسید نظر اولت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم گواهی نماید بدو دادخواستدار از این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸
تاریخ ثبت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸
تاریخ انتشار: نویت دوم: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

سیدعسبی میرکاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر - شناسه آگهی
۲۲۸۹۶۹۳

فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵۰۷۰۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵۰۸۰۴
سیدعسّم مدّ کاظم، رئیس ادارہٴ وثائق اسناد و مطالعات گوانگژ، طرف مہنّہٴ جہانفہ شناساہ اگہم، ۲۸۹۷۳۹

فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۷.۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۸.۰۴
مسئله‌یسی میرکافعی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر - شناسه آگهی
۲۲۹.۹۷۹

فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۷.۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۸.۰۴
مسئول علمی: میرکافعی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر - شناسه آگهی
۳۳۹۱۲۱۱

فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

تاریخ انتشار نوب دوم: ۱۴۰۵.۰۸.۰۴
سیدعمیسی میر کاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر - شناسه آگهی
۲۲۹۱۹۰۷

فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ ائین نامه قانون تعیین تکلیف

شهرستانک یک قلعه زمين با اين احاطي با مساحت ۱۱۷۰۰ متر مربع از ۱۳۴۱ شمارة ۲۲۵۱ قاصبي اول در اطراف
خود داشت و بخشى ۱۷۰۰ متر مربع از آن را با قطن ايرى تصرفات خاصيت دارى در آنجا با مقول در آنجا
مربوط به مراب و در نوبت به واسطه پانزده روز از گهي مي شود از اين و اشخاصي که نسبت به اين صادره فوق
الحد اعراض دانسته ميوانند از اين اشرار ائين ائين بدمت و دو ماه اعراض خود را با ذکر شمارة پورنده
در آنجا تسليم و پس از آن درسيد طرف ملت يكماه از گهي تسليم اعراض به مرجع بيني دادخواست
خود ميوانند و در مرجع ذيل قضايت قديم و گواهي تقديم دادخواست را به اين اداره ارائه نمايند.

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۸.۰۴
سیدعسائی میر کاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر - شناسه آگهی
۲۲۹۱۹۳۲

فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

ششدهشتاد و یک کیلومتر مربع زمین که در آن احداث بنا شده است مساحت ۷۸.۵۲ مترمربع از پلاک ۱۰۸-۱ واقع و از اراضی خارج محله بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگانه است صادره حاکمات از تصرفات قضایی در آمد. در این مورد به منظور اطلاع عموم مردم به واسطه بازپرسی و آگاهی می شود از این مشخصی که نسبت به این اراضی صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بعلت دو ماه اعتراض خود را در دفتر شماره پرتابه ۱۱ اندر خیابان و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به این مرجع ثبت اراضی است. در این مورد به واسطه بازپرسی و آگاهی می شود از این مشخصی که نسبت به این اراضی صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بعلت دو ماه اعتراض خود را در دفتر شماره پرتابه ۱۱ اندر خیابان و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به این مرجع ثبت اراضی است. در این مورد به واسطه بازپرسی و آگاهی می شود از این مشخصی که نسبت به این اراضی صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بعلت دو ماه اعتراض خود را در دفتر شماره پرتابه ۱۱ اندر خیابان و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به این مرجع ثبت اراضی است.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۴
سیدمسعود میرکاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر - شناسه آگهی
۲۲۹۲۰۴۰

فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۷.۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۸.۰۴
سیدعلی میرکاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر - شناسه آگهی
۳۳۹۲۷۱

فائدہ سند رسمے پر اب مادہ ۳ و مادہ ۱۳ آئین نامہ قانون تعین تکلیف

شماره ۶- اصلی واقع در اراضی نصرآباد بخش ۱ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان، طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بعدت

حرف مردم

اشتباهات عمدی

شرایط نایب سامان اقتصادی و بلبشوی حاکم بر آن و ناترازی درآمدها و هزینه‌ها، گاهی برخی را به کارهای عجیب و غریب و می‌دارد که تا پیش‌تر پیشینه‌ای از آن دیده نشده بود. اخیراً برخی از مغازه‌داران شگرذ تازه‌ای پیشه کرده‌اند

که حاصلی جز دامن زدن به جو بی‌اعتمادی و درگیری‌های ناخواسته ندارد. گاهی دیده شده است که مغازه‌داری برای خریدی به مبلغ مثلاً ۳۰۰ هزار تومان، سه میلیون تومان کارت می‌کشد. وضعیت از دو حال خارج نیست. یا مبلغ در کارت موجود است و از حساب دارنده کم می‌شود یا کارت آن مقدار پول ندارد و پیامک «موجودی کافی نیست» ظاهر می‌شود که در این صورت مغازه‌دار به بهانه‌ای دوباره کارت می‌کشد و این بار مبلغ درست را وارد می‌کند. اگر موجودی کافی بود و پول از حساب کم شد، ممکن است مشتری با نگاهی به پرینت متوجه شده و اعتراض کند. فروشنده با یک عذرخواهی جانانه مثلاً می‌گوید ببخشید حواسم نبود یک صفر اضافه زدم، کارت را بده همین حالا پول اضافه را به حسابت برمی‌گردانم، اما اگر مشتری متوجه نشود مبلغی از کف‌اش رفته و تا بیاید متوجه شود و اعتراض کند و کار به شکایت برسد، به دردسری دچار خواهد شد که واقعاً تماشایی‌ست. موضوع وقتی جالب می‌شود که می‌بینیم این شگرذ نامیمون

کم‌کم دارد به برخی از اداره‌ها هم سرایت می‌کند. اخیراً مشاهده شده است که اداره‌هایی چون برق و آب گاهی از این شگرذ ناجوان‌مردانه استفاده می‌کنند و در قبض صادر شده مبلغ بالایی درج می‌کنند. در چنین مواردی برخی ممکن است این مبلغ بالا را به حساب گران شدن یا مصرف اضافه‌ی خود بگذارند و آن را پرداخت کنند، اما اگر مشکوک شوند و اعتراض کنند با این پاسخ مواجه می‌شوند که ببخشید اشتباه شده است. حق با شماست. در قبض‌های بعدی مبلغ اضافه شده کسر خواهد شد. مسلم است که کارمندان مربوط هزینه‌های مصرفی مردم را دستی یا ذهنی ندارند. نمی‌کنند حتا با ماشین حساب هم کاری ندارند. میزان مصرف را در کامپیوتر وارد کرده و دستگاه خود بر اساس برنامه‌هایی که به آن داده‌اند، محاسبه کرده و مبلغ را درج می‌کند. بنابراین، مشخص می‌شود که حضرات عمداً اعداد و ارقام غلط به کامپیوتر می‌دهند که نتیجه‌ی غلط حاصل آن است. اگر این اتفاق فقط یک بار و تنها برای یک خانواده

پیش آمده باشد، واقعاً می‌توان آن را به حساب اشتباه گذاشت، اما وقتی چند و چندین بار تکرار شد دیگر نه اشتباه، بلکه عمدی در کار است. خب، در این میانه تکلیف جماعت ایرانی بخت‌برگشته‌ی بلاذه‌ی از این‌جا مانده و از آن‌جا رانده چیست؟ باید بنشیند و در حسرت و آرزوی برداشتن محاصره‌ی دریایی و هوایی آه بکشد؟ یا از گرانی افسارگسیخته‌ی مایحتاج روزمره‌ی زنده‌گی، زانوی غم در بغل بگیرد؟ یا بابت گرانی فزاینده‌ی خدمات دولتی غصه بخورد؟ یا برای رفع غائله‌ی جنگ و کشتار و ویرانی آن دست به دعا بردارد؟ یا برای حرام شدن زنده‌گی و جوانی جوانان ما بگیرد؟

اگر دردم یکی بودی چه بودی



آگهی ثبتی

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳- آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می‌دارد که پرونده‌هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده‌اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می‌شود:

۱- رأی شماره ۱۴۰۵/۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۳۲ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵/۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۳۳۱ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای آزاد عباسی خانقاه سفلی فرزند بهزاد مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۲۲/۷۹ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۳۴۰ فرعی از ۱- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای احمد پای) .

۲- رأی شماره ۱۴۰۵/۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۳۴ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵/۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۳۳۹ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای حمید سعیدی فرزند قاسم مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۲۴/۲۹ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۳۴۰ فرعی از ۱- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای احمد پای) .

۳- رأی شماره ۱۴۰۵/۳۱۲۰۱۰۰۰۵۰۲۹ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵/۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۳۳۰ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای جواد مخلصیان فرزند حسین مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به

ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۶۴/۰۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۳۴۰ فرعی از ۱- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای احمد پای) .

۴- رأی شماره ۱۴۰۵/۳۱۲۰۱۰۰۰۵۰۳۱ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵/۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۳۳۸ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای اسحاق میرمرادی فرزند ابراهیم مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۶۴/۰۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۳۴۰ فرعی از ۱- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای احمد پای) . در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ (دوشنبه)
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ (چهارشنبه)
لیلا کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان- م الف ۱۱۶۶۵

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۲ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بالامعارض: ۱- کلاسه ۱۴۰۵/۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۶۳۷ تقاضای آقای قربان خمپور به شماره شناسنامه ۱۰۱۲ و کدملی ۳۷۲۲۵۱۱۲۷ فرزند کاظم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی که مقدار ۱ سهم از ۳۹ سهم عرصه آن وقف است بمساحت ۹۸۲۲۷۸ مترمربع از پلاک شماره ۱۱۵- اصلی واقع در اراضی یالو بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. ۲- کلاسه ۱۴۰۵/۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۸۴۶ تقاضای خانم سکینه رضایی به شماره شناسنامه ۲۳۳۵۶ و کدملی ۲۱۲۰۲۳۳۷۲ فرزند پردی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی که مقدار ۱۰۵ دانگ مشاع از ۶ دانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۱۵۸۲۲ مترمربع از پلاک شماره ۱۲- اصلی واقع در اراضی قلعه حسن بخش ۴ حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌تواند در تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۱۹
جواد پورمند- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۳۳۱۱۲۵۶



آگهی فراخوان عمومی انجام مطالعات جامع و تخصصی طرح راهبردی - عملیاتی

شهر گرگان در قالب ۵ بسته مستقل

(ویژه دانشگاه ها و موسسات و مراکز علمی پژوهشی)



شهرداری گرگان در نظر دارد

در راستای بهره‌گیری از توان علمی، پژوهشی و روش‌های داده‌محور، نسبت به شناسایی و انتخاب، مؤسسات و کلیه مراکز علمی پژوهشی ذی‌صلاح جهت انجام «پروژه‌های مطالعاتی بر نامه راهبردی- عملیاتی شهر گرگان» در قالب ۵ بسته مستقل (به شرح جدول ذیل) با برآورد اولیه ۱۷,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال با استناد ماده ۳۰ آئین نامه معاملات شهرداری از طریق فراخوان عمومی اقدام نماید. لذا بدین وسیله از کلیه دانشگاه‌ها، مراکز علمی پژوهشی و پژوهشکده‌های معتبر و دارای مجوز رسمی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دعوت به عمل می‌آید تا از تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ لغایت پایان وقت اداری ۱۴۰۵/۰۸/۲۳ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نماید.

مجید طاهری - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۲۳۱۰۳۴۲



آگهی مناقصه عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به تهیه لوازم و نصب و راه اندازی آسانسور ۱۷ نفره ساختمان دوم سورت‌مه شهر بازی هزارپیچ گرگان (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ برآورد اولیه ۵۷,۳۵۲,۹۴۰,۰۰۰ ریال (بدون تعدیل) به شرکت‌های دارای گواهینامه پروانه طراحی، مونتاژ از اداره صنعت و معدن و تجارت با حداقل ۸ نفر نیروی بیمه شده در تامین اجتماعی و همچنین با سابقه‌ی اجرای نصب و راه اندازی حداقل ۱۰ دستگاه آسانسور بالای ۱۷ نفره به‌مراه گواهی نامه استاندارد اخذ شده از محل کد پروژه ۶۰۵۱۰۱ بودجه عمرانی شهرداری از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ لغایت مورخه ۱۴۰۵/۰۸/۲۳ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

مجید طاهری - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۲۳۱۰۵۱۷

ادامه تیتراول

گزارش‌های منتشرشده درباره مشکلات واحدهای تولیدی شهرک صنعتی حیدرآباد در مرداد ۱۴۰۵ نیز نشان می‌دهد که مسائل تأمین مالی و موانع فعالیت تولیدکنندگان همچنان مورد توجه نهادهای نظارتی استان قرار دارد. بررسی منظم مشکلات بنگاه‌ها و تمکیک موانع بانکی از سایر مشکلات تولید می‌تواند مسیر تصمیم‌گیری را دقیق‌تر کند. پیشنهاد تشکیل کمیته تخصصی برای بررسی عملکرد بانک‌ها زمانی می‌تواند مؤثر باشد که فعالیت آن به برگزاری جلسات محدود نماند. این کمیته باید بتواند اطلاعات مشخصی درباره میزان منابع معطل مانده، تسهیلات پرداخت‌شده، تعداد پرونده‌های معطل مانده، متوسط زمان رسیدگی و دلایل رد درخواست‌ها گردآوری و ارزیابی کند.

انتشار دوره‌ای این اطلاعات، امکان مقایسه عملکرد بانک‌ها و دستگاه‌های اجرایی را فراهم می‌کند و به مسئولان اجازه می‌دهد به‌جای طرح کلی مشکلات، گلوگاه‌های اصلی پرداخت را شناسایی کنند. همچنین مقایسه وضعیت گلستان با استان‌های همجوار، از جمله مازندران، باید بر اساس شاخص‌های همسان و دوره‌های زمانی مشابه انجام شود؛ زیرا مقایسه صرف مبالغ پرداختی، بدون توجه به حجم اعتبارات، تعداد متقاضیان و ترکیب فعالیت‌های اقتصادی، تصویر دقیقی از عملکرد استان‌ها ارائه نمی‌دهد. محدودیت زمانی جذب اعتبارات نباید به عاملی برای شتاب‌زدگی در انتخاب طرح‌ها یا صرفاً هزینه‌کرد منابع پیش از پایان سال مالی تبدیل شود. هدف

نهایی، جذب اعتبار به هر قیمت نیست؛ بلکه تخصیص منابع به طرح‌های دارای توجیه اقتصادی، قابلیت اجرا و اثرگذاری واقعی بر تولید و اشتغال است. منابعی که بدون ارزیابی مناسب تخصیص می‌یابند، ممکن است به نتیجه مورد انتظار نرسند؛ همان‌طور که تأخیر غیرضروری در پرداخت تسهیلات به طرح‌های واجد شرایط نیز می‌تواند فرصت‌های تولیدی را از بین ببرد. حمایت از صنایع کوچک و متوسط، به‌ویژه در شرایط تورمی، اهمیت دوچندانی دارد؛ زیرا افزایش هزینه‌های جاری می‌تواند نیاز بنگاه‌ها به سرمایه در گردش را تشدید کند. تأخیر در پرداخت تسهیلات ممکن است ارزش واقعی منابع را کاهش دهد و هزینه تأمین مالی فعالیت اقتصادی را افزایش دهد. به همین دلیل، زمان پرداخت تسهیلات به اندازه میزان آن اهمیت دارد. حمایت مؤثر از صنعت گلستان مستلزم هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، بانک‌ها و نهادهای نظارتی است. در کنار تسریع در پرداخت منابع، باید مشخص شود که این تسهیلات تا چه اندازه به استمرار فعالیت واحدها، حفظ اشتغال، تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام و افزایش ظرفیت تولید کمک کرده‌اند. تنها با چنین ارزیابی‌ای می‌توان تشخیص داد که منابع حمایتی تا چه اندازه به اهداف تعیین‌شده نزدیک شده‌اند. اکنون زمان آن رسیده است که تأکیدهای مکرر بر حمایت از تولید در استان گلستان، به نتایج ملموس و قابل سنجش تبدیل شود. افکار عمومی و فعالان اقتصادی حق دارند بدانند چه میزان از اعتبارات مصوب به واحدهای صنعتی پرداخت شده، چه تعداد از بنگاه‌ها همچنان در انتظار تسهیلات هستند، کدام بانک‌ها در پرداخت منابع با تأخیر مواجه‌اند و مسئولیت رفع این موانع بر عهده کدام دستگاه است. انتظار می‌رود استانداری گلستان، اداره کل امور اقتصادی و دارایی و شبکه بانکی استان، به‌جای بسنده کردن به برگزاری جلسات و تأکید

بر ضرورت حمایت از تولید، گزارشی شفاف از عملکرد واقعی تسهیلات، دلایل پرداخت نشدن منابع و برنامه زمان‌بندی تعیین تکلیف پرونده‌های معطل مانده منتشر کنند. هم چنین ضروری است نتیجه پیگیری‌ها به‌صورت مستمر اطلاع‌رسانی شود تا مشخص باشد هر تصمیم تا چه اندازه به حل مشکلات تولیدکنندگان منجر شده است. علم اقتصاد به معنی علم تخصیص منابع کمیاب به خواسته‌های نامحدود بشر است. اگر قرار است در تصمیمات خود مبنای علمی و اقتصادی سرلوحه قرار گیرد باید مولفه‌های مقتضای این دانش را ابتدا به معنای واقعی کلمه فرا گرفته سپس نسبت به خط مشی و سیاست‌گذاری گام برداریم. تولیدکننده نمی‌تواند هزینه تأخیرهای اداری، بالاترین هزینه‌های بانکی و ناهماهنگی دستگاه‌ها را از جیب خود بپردازد. هر روز تأخیر در تأمین سرمایه در گردش می‌تواند هزینه تولید را افزایش دهد و توان بنگاه برای حفظ اشتغال و ادامه فعالیت را تضعیف کند. اگر حمایت از صنایع کوچک و متوسط واقعاً در اولویت سیاست‌گذاری اقتصادی استان قرار دارد، باید این اولویت در عملکرد بانک‌ها، سرعت پرداخت تسهیلات و پاسخ‌گویی مدیران دیده شود. مطالبه بخش صنعت گلستان روشن است: منابعی که برای حمایت از تولید تصویب شده‌اند، نباید پشت درهای نظام اداری و بانکی معطل بمانند. مسئولان استان باید با تعیین ضرب‌الاجل مشخص، اعلام عمومی نتایج و پاسخ‌گو کردن دستگاه‌های مسئول، موانع پرداخت را برطرف کنند؛ زیرا معیار موفقیت، نه وعده حمایت و نه تعداد جلسات برگزارشده، بلکه تسهیلاتی است که به‌موقع به تولید می‌رسد و مانع توقف چرخ کارخانه‌ها می‌شود.

کارشناس و فعال اقتصادی

معماری داستان امروز

پلی فونی (چندصدایی) رادیکال؛ زوال راوی همه چیزدان (۲)

یوسف قوجق

سال‌هاست که راوی سنتی «دانای کل»، (یعنی آن صدای مسلط و همه‌چیزدانی که بر فراز سرنوشت کاراکترها می‌ایستاد و سرنوشت جهان داستانی را رقم می‌زد)، اعتبار زیباشناختی خود را در درک جهان پیچیده کنونی از دست داده است. با این حال، «رمان‌نویسی پیشرو» امروز گامی فراتر از «چندصدایی کلاسیک» برداشته و به سمت الگویی به نام «پلی فونی رادیکال» حرکت کرده است. وضعیتی ساختاری که در آن، دیگر هیچ راوی اصلی، حقیقت مرکزی یا ترازوی اخلاقی واحدی بر متن حکومت نمی‌کند.

اکنون در «چندصدایی رادیکال»، ما با مجموعه‌ای از روایان متناقض و زخمی روبه‌رویم که هیچ‌کدام صاحب حقیقت تام نیستند. هر شخصیت تنها تکه‌ای کوچک از آینه فروریخته واقعیت را به چنگ آورده است. این شیوه، بازتاب تکثر هویتی، صداهای سرکوب‌شده حاشیه‌ای و زیست بحران‌زده جهان امروز است. دیگر نمی‌توان با صدایی واحد، جهان را فهم کرد. متن روایت، تبدیل به تالاری از بازتاب آواها می‌شود که قضاوت نهایی را شجاعانه از نویسنده سلب کرده و به میانجی درک مخاطب می‌سپارد. از درخشش تاریخی رمان «صدا و خشم» فاکتر تا رمان‌های پس‌استعماری معاصر، قدرت متن دقیقاً از دل همین شکاف و تصادم میان زاویه‌های دید زاده می‌شود. با این همه، آسیب بزرگ کارگاهی در اینجاست: بسیاری از نویسندگان تصور می‌کنند «چندصدایی» صرفاً با تغییر دادن نام راوی در بالای هر فصل تحقق می‌یابد. «چندصدایی» راستین و حقیقی در عمق نحو زبان، چینش واژگان، ضرابهنگ تنفس و نظام فکری کاراکتر ریشه دارد. اگر کارگر فصلی، وکیل مرفه و زن سالمند حاشیه‌نشین، همگی با نثری شسته‌رفته، آهنگین و فاخر سخن بگویند، ما با «چندصدایی» روبه‌رو نیستیم بلکه با یک «تک‌گویی» ملال‌آور مواجهیم که در آن، نویسنده نقاب‌های مقوایی گوناگون بر چهره خود زده است. صدای داستان باید شناسنامه بیولوژیک و طبقاتی شخصیت باشد.



فراخوان عمومی واگذاری مدیریت قرق اختصاصی حیات وحش شاهکوه (خوشاب)



شرایط عمومی اشخاص حقوقی
۱- تابعیت جمهوری اسلامی ایران
۲- ثبت شده در کشور براساس قوانین و مقررات مربوط
۳- درج موضوع فعالیت در زمینه حیات وحش در اساسنامه محیط زیست
۴- نداشتن سابقه تخلف شکار و صید مدیر، مدیر عامل، مسئول یا مسئولان در پنج سال گذشته با تایید سازمان حفاظت محیط زیست
۵- نداشتن سابقه محکومیت شخص حقوقی

مدارک و مستندات مورد نیاز

ارائه مدارک فرم مشخصات متقاضیان مندرج در پرتال اداره کل حفاظت محیط زیست استان گلستان به نشانی golestan.doe.ir

****توجه:** به درخواست‌هایی که بعد از وقت اداری روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۸/۱۶ به دبیرخانه این اداره کل تحویل گردد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شناسه آگهی ۲۳۱۱۱۰۷

در اجرای مفاد آیین نامه اجرایی بند "ب" ماده ۲۸ قانون شکار و صید، اداره کل حفاظت محیط زیست استان گلستان در نظر دارد، مدیریت قرق اختصاصی حیات وحش شاهکوه (خوشاب) واقع در فاصله ۵۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر گرگان، حد فاصل مرز سیاسی استان گلستان با سمنان به مساحت ۶۱۰۰ هکتار، با بالاترین ارتفاع ۲۸۲۰ متر و بالاترین حد ۲۴۵۰ متر از سطح تراز دریای آزاد، تماماً کوهستانی و صعب العبور و فاقد مستثنیات را با حدود اریقه زیر به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار نماید. از این رو از واجدین شرایط و علاقه مند به حفظ تنوع زیستی دعوت می‌شود، در صورت تمایل، نسبت به ارائه مدارک مورد نیاز از تاریخ ۱۴۰۵/۸/۰۲ الی ۱۴۰۵/۸/۱۶ در پاکت درسته به دبیرخانه این اداره کل به آدرس استان گلستان- شهرستان گرگان- بلوار ناهارخوران- اداره کل حفاظت محیط زیست استان گلستان- کدپستی ۴۵۱۸۵-۴۹۱۷۱ اقدام نمایند.

حدود اریقه قرق اختصاصی حیات وحش؛ شمالاً: محدوده طرح از شمال وصل به حریم عرفی اراضی ملی در محدوده روستای شاهکوه سفلی و علیا- غرباً: وصل به محدوده شکار و تیراندازی ممنوع چمن و در ارتفاعات امام ابوالقاسم- جنوباً: وصل به تنگه زندان و بلاش و ارتفاعات کوه کرکی و حوزه استحفاظی استان سمنان- شرقاً: وصل به ارتفاعات جمشیدی (نقشه به پیوست)

شرایط عمومی متقاضیان حقیقی

۱. تابعیت جمهوری اسلامی ایران
۲. نداشتن سابقه تخلف شکار و صید در ۵ سال گذشته با تایید سازمان حفاظت محیط زیست
۳. نداشتن پیشینه کیفری مؤثر

آگهی مزایده عمومی فروش خودرو

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان در نظر دارد

خودروهای متعلق به خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. لذا از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت می‌شود با رعایت شرایط و ضوابط مندرج در این آگهی، در مزایده شرکت نمایند.

مشخصات خودروهای به شرح ذیل است:

ردیف	نوع خودرو	رنگ	مدل	نوع سوخت	قیمت پایه مزایده
۱	سمند سورن	سفید	۱۴۰۱	دوگانه سوز	۱۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۲	پراید	سفید روغنی	۱۳۹۵	دوگانه سوز	۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۱- مهلت بازدید از خودرو به مدت ۵ روز از انتشار آگهی می‌باشد.

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان